

## بررسی و تبیین قاعده تحذیر با توجه به قانون مجازات اسلامی ۹۲

دکتر محمد علی حاجی ده آبادی<sup>۱</sup>

مهدی صبوریان<sup>۲</sup>

### چکیده

قواعد فقهی از جایگاه بلندی در پژوهش های فقهی و حقوقی برخوردار هستند که از جمله آنها قاعده «تحذیر» می باشد. این قاعده بر مبنای روایتی از امام صادق (ع) می باشد که اگر فرد سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنان را دچار خسارت های مادی یا جانی نماید، آگاه کند و به نحو مقتضی هشدار دهد و دریافت کننده هشدار با وصف اطلاع، خود را در معرض خطر قرار دهد، هشدار دهنده معذور خواهد بود و تحت شرایطی از مسئولیت مدنی و کیفری مبری می باشد. این قاعده مورد استفاده قانون گزاران و حقوق دانان قرار گرفته است و در قوانین وضعی از آن استفاده های بی شماری شده است.

**واژگان کلیدی:** قواعد فقهی، قاعده تحذیر، قانون مجازات اسلامی ۹۲؛

---

<sup>۱</sup>دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشیار دانشگاه قم [dr-hajidehabadi@yahoo.com](mailto:dr-hajidehabadi@yahoo.com)  
<sup>۲</sup>کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم (نویسنده مسئول) [mehdi.Saborian@yahoo.com](mailto:mehdi.Saborian@yahoo.com)

## مقدمه:

در عصر حاضر مطالعه و تأمل در مباحث مربوط به قواعد فقه و همچنین استنباط احکام، ضروری تر از زمانهای دیگر است. مخصوصاً در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که یکی از پایه های قانون گذاری در کشور، قواعد فقهی می باشند و همچنین طبق اصل ۱۶۲ قانون اساسی اگر در قوانین مدون راه حل و فصل خصومت وجود نداشته باشد، می باید به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر رجوع کرد. ارائه قواعد فقهی دادرس را نیز در این مهم هدایت می کند. قاعده «تذذیر» یکی از قواعد فقهی است که قلمرو وسیعی در حقوق داخلی و حقوق بین المللی دارد. در این تحقیق به مستندات شرایط و موارد تطبیق قاعده با ارائه مصادیقی در قوانین داخلی و بین المللی و همچنین مصادیقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پرداخته شده است.

## گفتار اول: معرفی قاعده تذذیر؛

قاعده در لغت به معنای «اساس» و «ریشه» است.<sup>۱</sup> قواعد فقهی در طول تاریخ مراحل و فراز و نشیب های گوناگونی را سپری کرده اند. قواعد فقه فرمولهای بسیار کلی هستند که منشاء استنباط قوانین محدود تر می شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند. بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می گیرند.<sup>۲</sup> بی شک یکی از قواعد بسیار مهم و پر کاربرد در قلمرو فقه و حقوق «قاعده تذذیر یا هشدار» می باشد. طبق این قاعده هر کس قبل از اقدام به عملیات خطرناک و مهلک به سایرین هشدار دهد (در صورت وجود شرایط لازم) معاف از مسئولیت مدنی و کیفری خواهد بود. این قاعده با کارکرد بسیار حساس و پیشگیرانه آن قلمرو بسیار گسترده و مصادیقی غیر قابل احصا دارد. به طوری که در موقعیت زمان و مکانی که زمینه یا احتمال

۱. فرهنگ فارسی معین، تک جلدی، ص ۸۳۶

۲. محقق داماد، قواعد فقه، جلد ۲، ص ۳

خطر و تهدید برای سلامتی ، جان یا مال انسان در آن وجود داشته باشد کاربرد دارد. بر این اساس شخص هشدار دهنده می تواند شخص حقیقی باشد یا حقوقی مانند دولت، شرکت ها ، کارخانه جات، کارفرماها؛ این قاعده مبتنی بر روایتی از امام صادق (ع) می باشد که در کتاب های کافی و من لایحضره الفقیه، نقل شده است. که در زمان امیر المومنین علی (ع) کودکان بازی شرط بندی می کردند؛ یکی از آنان آنچه را که با آن شرط بندی کرده بود انداخت و به دندان یکی از افرادی که وارد محل بازی شده بود اصابت کرد و شکست. شخص مصدوم شکایت کرد؛ مرافعه نزد امیر المومنین(ع) بردند. ضارب اقامه بینه کرد که هشدار داده بود حضرت فرمود که قصاص ندارد و سپس فرمود هر کس (موقع انجام کاری ) هشدار دهد معذور است.

این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر فرد در مقام انجام کاری ، سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنرا دچار خسارت مادی یا جانی نماید آگاه کند و به نحو مقتضی هشدار دهد و دریافت کننده هشدار با وصف اطلاع خود را در معرض خطر قرار دهد هشدار دهنده معذور خواهد بود و تحت شرایطی از مسئولیت کیفری و مدنی مبری می باشد.

## گفتار دوم:

### شرایط، حیطة و قلمرو اعمال قاعده تحذیر

برای آنکه قاعده تحذیر قابل اعمال باشد و هشدار دهنده از مسئولیت مبری گردد، لازم است نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

### الف- ضرورت اعلام خطر

یکی از شرایط اساسی برای استفاده قاعده و احراز عدم مسئولیت هشدار دهنده ، ضرورت و الزام اعلام وجود خطر به نحو صحیح و متعارف به مخاطبان است. بدین معنی که هشدار دهنده باید افراد را از وجود خطری که ممکن است مال یا جان آنان را در معرض تلف یا نقصان قرار دهد آگاه سازد تا آنان از نزدیک شدن به خطر

دوری نمایند. مثلاً محدوده ای که قرار است در آن مانور جنگی انجام شود، می باید مشخص و توسط مقامات مسئول به اطلاع اهالی منطقه رسانده شود و با گذاشتن علائم خاصی مانند تابلو اسکلت انسان، نوشتن خطر مرگ، نصب سیم توری و ... مانع ورود افراد به منطقه شوند. بنابراین، هشدار باید صریح، روشن، متعارف و قابل فهم برای مخاطبان باشد.

#### **ب. هشدار می باید قبل از وقوع حادثه داده شود**

شک نیست که هشدار می باید قبل از وقوع حادثه به مخاطبان ابلاغ شود و یا در معرض دید آنان قرار گیرد. چنانچه بعد از وقوع حادثه مراتب اعلام گردد، به مثابه عدم وجود هشدار خواهد بود.

#### **ج. وسایل هشدار دهنده می باید متناسب با نوع خطر و محیط باشد**

اعلام وجود محیط خطرناک یا دستگاه خطر آفرین بنا به مقتضای نوع خطر می باید متناسب باشد. فی المثل، نصب چراغهای الوان چشمک زن بر روی اسکله یا برجها، ناخدای کشتی یا خلبان هواپیما را به وجود خطر هشدار می دهد و اگر این چراغها خاموش یا در محل های مناسب نصب نشده باشد و منجر به حادثه گردد؛ با رعایت سایر شرایط، مسئولیت متوجه اشخاصی است که در این امر اهمال نموده اند. در مورد گودبرداری زمین برای احداث ساختمان، صاحب بنا با کشیدن دیوار یا سیم توری و گذاردن علائم اخباری به عابرین هشدار می دهد که به محدوده بنای در حال احداث نزدیک نشوند؛ زیرا خطر سقوط در گودی یا افتادن مصالح ساختمانی و ورود خسارت به آنان وجود دارد. حال چنانچه فردی بر خلاف هشدار مذکور، اقدامی انجام دهد که موجب خسارت مالی یا جانی خود شود بنا به قاعده، مسئولیتی متوجه صاحب بنا نخواهد بود. حال اگر صاحب بنای مذکور با کشیدن طناب نازکی خواسته باشد که عابرین را به وجود خطر آگاه نماید به نظر، این اقدام برای رفع مسئولیت وی کفایت نمی کند؛ زیرا هشدار با نوع و خطر احتمالی تناسب ندارد.

بنا به مراتب چگونگی هشدار برای براءت از مسئولیت، حسب المورد بر مبنای قانون، عرف، اصول فنی و حرفه‌ای و بعضاً قراردادها خواهد بود.

### **ه هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار داده باشد**

با عنایت به روایت مذکور، زمانی هشدار دهنده از مسئولیت مبری شناخته می‌شود که هشدارگیرنده خود را در معرض خطر قرار دهد. با این توضیح که بدون توجه به هشدار، دست به اقدامی زند که نتیجه زیانباری به دنبال داشته باشد و ورود خسارت نتیجه اقدام هشدارگیرنده می‌باشد (قاعده اقدام).

### **و. ورود صدمه نباید ناشی از اقدام عمدی هشدار دهنده باشد**

بنا به روایت، کودکان بدون داشتن قصد و عمد به ایراد صدمه به احدی، اقدام به پرتاب سنگ (فقط به منظور ارزیابی قدرت خود) می‌کنند و مدعی با آگاهی از هشدار داده شده به صحنه مسابقه وارد و در نتیجه مصدوم گردیده است.

بنابراین، در قاعده هشدار اولاً هشدار دهنده نباید قاصد و عامد به ایراد صدمه و خسارت باشد هر چند که ابتدائاً نیز هشدار لازم را داده باشد. ثانیاً دریافت کننده هشدار خود را وارد معرکه نماید؛ اعم از اینکه این اقدام او ناشی از عمد یا تسامح باشد. شایان ذکر است چنانچه فردی برای ارتکاب جرمی یا کشوری به منظور تجاوز به سرزمینی عملی انجام دهد و با هشدار طرف مقابل، دست از ارتکاب جرم یا تجاوز بر ندارد تحت شرایطی فرد یا کشور مورد تجاوز حق دارد از خود دفاع نماید که این اقدام مشمول مقررات دفاع مشروع خواهد بود نه قاعده تحذیر.

### **گفتار سوم:**

قاعده تحذیر در قوانین وضعی در موارد متعددی آمده است. در این زمینه به نمونه هایی از آنها اشاره شده است؛

طبق تبصره ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ هر گاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر ، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگر که ورود به آن ممنوع است گردد و مطابق مقررات هدف قرار گیرد، ضمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوع بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد، دیه از بیت المال پرداخت می شود.

و همچنین طبق ماده ۵۰۹ قانون مذکور «هر گاه کسی در معابر یا اماکن عمومی با رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی عملی به مصلحت عابران انجام دهد و اتفاقاً موجب وقوع جنایت یا خسارت گردد ، ضامن نیست» و طبق ماده ی ۵۰۴ قانون مجازات اسلامی «هر گاه راننده ای که با داشتن مهارت و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست ، بدون تقصیر برخورد نماید، ضمان منتفی و در غیر این صورت، راننده ضامن است»

مطابق این ماده هم ، راننده تصادف کننده ، مسئول جبران خسارت وارده به زیان دیده و مصدوم نیست چون تصادف به عمل زیان دیده استناد دارد و عرفاً رابطه ی سببیت بین فعل زیان بار وارده و ضرر منتفی است.

و همچنین طبق ماده ی ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۹۲ ، زیان دیده نه تنها نمی تواند خواهان جبران خسارت وارده بر خویش شود بلکه باید خسارت وارده بر دیگری را نیز جبران کند. در این ماده آمده است «هر گاه شخصی در محلهایی که توقف در آنها مجاز نیست توقف نماید یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محلها مستقر سازد یا چیز لغزنده ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آنها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند شخص ، شخص متوقف ، یا کسی که ان شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه یا خسارت است

در تبصره ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی ۹۲ نیز مقرر شده است: در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه وارد شونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی باشد ضمان منتفی است».

در ماده ی ۴ قانون ایمنی راه ها و راه آهن نیز به صراحت مضمون قاعده «تحدیر» و اعتبار آن آمده است و نشان می دهد که قانونگذار در اداره امور جامعه وسائل شهری لزوماً هشدار دهنده را مسئول نمی شناسد. در این ماده آمده است:

ورود و عبور عابرین پیاده و انواع وسایل نقلیه غیرمجاز و عبور دادن دام در شاه راه ها و همچنین توقف وسایل نقلیه در خطوط عبور ممنوع است. هرگاه به جهات مذکور، حادثه ای واقع شود که منجر به ضرب یا جرح یا قتل یا خسارت مالی شود، راننده مجاز، که وسیله نقلیه او مجاز به حرکت در شاه راه باشد، نسبت به موارد فوق مسئولیتی نخواهد داشت، ولی در هر حال مکلف است در صورت بروز حادثه، وسیله نقلیه را در سمت راست متوقف نموده و مصدوم را با وسیله خود یا وسیله دیگر بلافاصله به اولین درمانگاه یا بیمارستان برساند و مراتب را به مأمورین انتظامی اطلاع دهد. عدم مسئولیت راننده مذکور مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود.

در ماده ۹ قانون یاد شده نیز آمده است: عبور از راه آهن و ورود در محوطه ایستگاه ها و کارخانه ها و تأسیسات فنی راه آهن، به استثنای سکوهای مسافری و امکانه و گذرگاه ها و معابر مجاز واقع در ایستگاه ها در طول خطوط، ممنوع است، جز برای آن عده از مأمورین راه آهن که بر حسب وظیفه، مجاز به ورود و عبور می باشند. در صورت تخلف و بروز حادثه، راه آهن دولتی ایران مسئول نخواهد بود. در ماده ۱۰ نیز نظیر همین مطالب در خصوص ممنوعیت عبور مرور وسایل نقلیه موتوری و غیرموتوری آمده است و به صراحت، اشعار می دارد که متخلف از این امر، مسئول هرگونه پیشامد و خسارت وارده است؛ یعنی نه تنها مسئولان قطار و امثال آن ضامن نیستند، بلکه مصدومان علاوه بر تحمل حادثه، مسئول خسارت احتمالی متقابل هم هستند.

روشن است که خسارات مندرج در ماده یاد شده طرفینی است و چنانچه عبورکننده غیرمجاز به ریل راه آهن و قطار در حال حرکت و یا مسافران صدمه بزند، مسئول جبران خسارت خواهد بود. با امعان نظر در ماده یاد شده، می توان دقت قانونگذار را در اعمال قاعده یاد شده دریافت. قانونگذار در اینجا با هشدار و حذر، مسئولیت وارد شده به عبورکننده غیرمجاز را به خود او برگردانده است.

تبصره ۲ ماده ۱۰ می گوید: هر گاه عبور وسایط نقلیه موجب خرابی یا انحراف قسمتی از ریل و همچنین خاکریز و سایر تأسیسات مربوط به راه آهن گردد، راننده وسیله نقلیه به پرداخت جزای نقدی از ۱۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال و جبران خسارت وارده محکوم می شود.

در قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی نیز مطالب جالبی می توان یافت. در ماده ۸ این قانون آمده است: در صورتی که عابر پیاده از سواره رو معابر و خیابان ها، جز از نقاطی که خط کشی شده و مخصوص عابر پیاده است (محل مجاز) از محل های غیرمجاز عبور نماید متخلف شناخته می شود و مکلف به پرداخت جریمه مقرر در آیین نامه می باشد، و در صورتی که در این قبیل نقاط غیرمجاز، وسیله نقلیه موتوری با عابر پیاده تصادف نماید راننده وسیله نقلیه در صورتی که کلیه مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نموده باشد، مسئول شناخته نمی شود. عدم مسئولیت راننده مانع استفاده شخص ثالث از مقررات بیمه نخواهد بود.

در تبصره ماده مذکور آمده است: در شهر تهران، در خیابان هایی که به وسیله ایمنی عبور عابر پیاده مجهز شده باشد و مقررات زیر به وسیله شهرداری برای اطلاع عموم آگهی شود، عابر پیاده مکلف است فقط از محل های مخصوص عابر پیاده عبور کند، در غیر این صورت، اگر تصادفی بین وسیله نقلیه و عابر پیاده در سواره رو واقع شود، مشروط بر آنکه راننده مست نبوده و گواهی نامه مجاز رانندگی داشته باشد و با سرعت مجاز حرکت کرده و وسیله نقلیه او نقص فنی مؤثر در حادثه نداشته باشد و سه نفر کارشناس ارشد تصادفات راهنمایی و رانندگی از این جهات، عدم مسئولیت راننده را گواهی نمایند، مسئولیت جزایی متوجه راننده نخواهد بود و راننده آزاد خواهد شد و پرونده به مراجع قضائی جهت اقدام مقتضی ارسال می شود. عدم مسئولیت جزائی راننده مانع استفاده شخص متضرر از حادثه، از مقررات بیمه ثالث نخواهد بود. در ماده ۳ آیین نامه چگونگی بازرسی کار آمد است: بازرسان کار موظفند به منظور نظارت بر حسن اجرای مقررات و آیین نامه های مصوب شورای عالی حفاظت فنی، از قسمت های کارگاه بازرسی ایمنی به عمل آورند.

ماده ۵ این آیین نامه می نویسد: بازرسان کار در مواردی که ادامه کار دستگاه یا قسمتی از کارگاه را



خطرناک تشخیص دهند موظفند مراتب را کتباً و از طریق اداره متبوع خود، جهت توقف کار و رفع خطر به کارفرما ابلاغ کنند.

ماده ۶ این قانون، بر لزوم راهنمایی قبلی کارگران و کارفرمایان و آموزش حضوری آنان تأکید می‌ورزد. همین تأکید در ماده ۷ نیز آمده است: بازرسان موظفند در صورت مشاهده تولید ماشین آلات غیر ایمن و خطرناک، با توجه به ماده ۸۸ و ۸۹ قانون «کار»، تذکرات و راهنمایی های لازم را کتباً و از طریق اداره متبوع خود به کارفرمایان مربوط ابلاغ نمایند.

در مواد ۱۸، ۱۱، ۶ و ۷ این آیین نامه مطالبی آمده است که با مطالعه هرچند سطحی آن، محقق به روشنی، انگیزه قانونگذار را در توجه به هشدارهای اولیه و ایمنی بخش درمی یابد.

در تبصره ۲ ماده ۹۵ این قانون آمده است: چنانچه کارفرما یا مدیران واحدهای موضوع ۸۵ این قانون برای حفاظت فنی و بهداشت کار، وسایل و امکانات لازم را در اختیار کارگر قرار داده باشند و کارگر خود با وجود آموزش های لازم و تذکرات قبلی، بدون توجه به دستورالعمل و مقررات موجود، از آنها استفاده نکند کارفرما مسئولیتی نخواهد داشت. در صورت بروز اختلاف، رأی هیأت حل اختلاف نافذ است.

در ماده ۲۷ لایحه قانونی حفاظت فنی، مصوب ۱۳۳۶/۱/۱۱ آمده است: کلیه کارگاه ها باید به وسایل کافی اعلام خطر مجهز شوند، به طوری که وقوف بر آن در همه جای محوطه کار مقدور گردد.

از مفاد مواد مذکور، می توان فهمید که هشدار قبلی کارفرما یا مدیران به کارگران رافع مسئولیت و خسارت ناشی از عدم توجه به هشدارها خواهد بود.

ماده ۱۲ قانون «مسئولیت مدنی» به صراحت، کارفرمایان مشمول قانون «کار» را در صورتی که تمامی احتیاط های لازم را، که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نماید، به عمل آورده باشند، غیرمسئول می شناسد: کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می

آورند باز هم جلوگیری از ورود زبان مقدور نمی بوده. کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته می شود مراجعه نماید.

در قوانین مربوط به اصول حفاظت و ایمنی در آزمایشگاه ها، بیمارستان ها و مراکز پزشکی، قوانینی آمده است که آشکارا نظر قانونگذار را در توجه به مسائل هشداردهنده و ایمنی بخش می رساند. در بخش استانداردهای حفاظتی برای بخش رادیواکتیو، ذکر شده است که باید به افراد آموزش های لازم داده شود. مدیران آزمایشگاه باید پس از آموزش این افراد، گواهی لازم برای آنها صادر کنند و این گواهی باید در بایگانی حفاظتی ضبط شود. در محل استفاده از رادیواکتیو، خوردن و آشامیدن ممنوع است. در ماده ۱۲ قانونگذار با وضع این ماده، به نوعی هشدار و آگاه سازی قبلی داده است؛ می نویسد: کلیه افرادی که به کار با اشعه اشتغال دارند مکلفند وسایل حفاظت در برابر اشعه پیش بینی شده را شخصاً به کار گرفته و مقررات و دستورالعمل های مربوط را به اجرا در آورند.

در آیین نامه داخلی شورای عالی حفاظت فنی مصوب ۲۳ شهریور ۱۳۷۰ نیز مطالب و نکاتی آمده که حکایت از دقت قانونگذار در هشدارهای اولیه دارد و با این کار در صدد رفع مسئولیت رخدادهای احتمالی بعدی است. در ماده ۸۸ قانون مذکور آمده است: اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به ساخت یا ورود و عرضه ماشین می پردازند مکلف به رعایت موارد ایمنی و حفاظتی مناسب می باشند.

در قوانین وضعی ایران، در خصوص اجتناب از خوردنی ها و آشامیدنی هایی که احياناً ممکن است شهروندان را دچار مسمومیت احتمالی سازد، هشدار لازم داده شده است. برای مثال، در ماده ۱۱ قانون «مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی» مصوب ۲۲ تیرماه ۱۳۴۶ آمده است: در مؤسسات داخلی، که نوع آنها از طرف وزارت بهداشتی معین و صورت آن منتشر می گردد، صاحبان آنها مکلفند طبق دستور وزارت بهداشتی، مشخصات لازم را در مورد هر نوع فرآورده به خط فارسی خوانا، روی بسته یا ظرف محتوی جنس قید نمایند. در مواردی که فرمول محصول یا مواد ترکیبی طبق تقاضای سازنده فرمول بایستی محفوظ بماند، باید فرمول محصول را قبلاً به وزارت بهداشتی تسلیم و شماره پروانه آن را روی بسته بندی ذکر نمایند. متخلفین از مقررات این ماده به پرداخت غرامت از ۵ هزار تا ۲۰ هزار دینار محکوم خواهند شد.

در قوانین شهر و شهرداری نیز می توان مطالبی در این باره یافت. در تبصره ای در ذیل توضیحات یکی از مواد قانونی آمده است: در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت های مندرج در ماده فوق، شهرداری پس از کسب نظر مأمور فنی، به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات منصوب ابلاغ مهلتدار متناسبی صادر می نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین به موقع اجرا گذاشته نشود، شهرداری رأساً با مراقبت مأمورین خود، به رفع خطر یا مزاحمت اقدام خواهد نمود و هزینه مصروفه و اضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها و گرمابه ها و مهمان خانه ها و دکاکین و قهوه خانه ها، کافه ها و رستوران ها و پاساژها و امثال آن، که محل رفت و آمد مراجعه عمومی است نیز می باشد.

در همین قانون، در خصوص وظایف شهرداری ها و اهتمام به شرایط بهداشت در کارخانه ها و مراقبت در پاکیزگی گرمابه ها و نگه داری اطفال بی بضاعت و سرراهی می توان اشاره کرد.

در آیین نامه ممنوعیت استعمال دخانیات نیز مطالبی آمده است که می توان تأثیر قاعده هشدار را در توجه قانونگذار نسبت به مواد قانونی، حسب مورد، دریافت. در ماده ۱ آمده است:

به منظور حفظ حقوق افراد جامعه و تأمین سلامت آنها در برابر زیان ها و بیماری های ناشی از استعمال دخانیات، استعمال هر نوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی مسقف، به هر نوع ممنوع است. در تبصره ۲ این ماده آمده است: مسئولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب در محل هایی که قابل رؤیت باشد نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی را یادآور شوند.

در تبصره ماده ۲ از این قانون همچنین آمده است: شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را روی بسته های سیگار اعلام نماید.

مطالبی که بدان ها اشاره شد، مربوط به تأثیر قاعده «تذذیر» در قوانین وضعی داخلی ایران بود. علاوه بر قوانین داخلی یاد شده، می توان به نمونه هایی از مفهوم هشدار و لزوم ابلاغ قبلی، که منبث از قاعده «تذذیر» است، در قوانین بین المللی نیز به طور فراوان اشاره کرد. برای نمونه، یکی از نویسندگان و صاحب

نظران در عرصه حقوق بین‌المللی می‌نویسد: یکی از وظایف شناخته شده دولت‌ها در مقابل نمایندگان سیاسی سایر کشورها و به طور کلی، بیگانگان مجاز به اقامت در کشور، حمایت از آنان در مقاطع خاص است و از جمله تکالیف دولت‌ها، اخطار قبلی به نمایندگان سیاسی و بیگانگان مجاز به اقامت مبنی بر ترک کشور به لحاظ بروز جنگ یا آشوب‌های داخل یا به هنگام تشنجات بین‌المللی می‌باشد که در صورت اخطار و ابلاغ آن، مسئولیتی از جهت بروز هرگونه واقعه به عهده کشور هشداردهنده نمی‌باشد و به عهده فرد خاصی است و در غیر این صورت - یعنی چنانچه دولت نسبت به اعلام هشدار به بیگانگان اقدام ننماید - مسئولیت خسارات جانی و مالی به عهده کشور مذکور خواهد بود. از مصادیق این امر، جنگ‌های داخلی اسپانیا (۱۹۳۶ - ۱۹۳۹) و جنگ مصر (۱۹۵۶) می‌باشد.

در نظام‌های حقوقی کامن لا (Common Law) مثل آمریکا و انگلستان، احکامی وجود دارد که نشان می‌دهد این نظام تا چه حد تابع ماهیت قاعده «تحدیر» بوده و مفاد آن تا چه میزان در دادرسی این نظام حقوقی مؤثر است. برای نمونه، در روزنامه تایمز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۷۲ در خصوص یکی از پرونده‌های قضائی، یک نفر کاردان برای اداره پست استخدام شد تا در کار تعویض شماره‌های تلفن انجام وظیفه کند. این شخص از در اتاق آسانسور، که بیشتر مواقع بسته بود و در روی آن اخطاری با این مضمون به چشم می‌خورد: «فقط متصدی صلاحیتدار آسانسور حق ورود به این محوطه را دارد» با قصد رفتن به پشت بام و برای لحظاتی استراحت و هواخوری وارد شد، ولی به محض ورود به این منطقه ممنوعه، حفره‌ای از زیرپایش باز شد و در آن سقوط کرد و کشته شد. خانواده اش با این استدلال، که اداره پست اولاً، طبق قاعده «کامن لا» مرتکب بی‌احتیاطی شده و ثانیاً، برابر ماده ۱۶ قانون «محوطه ادارات و داکاین و راه آهن مصوب ۱۹۳۶» موظف بوده است ساختمان‌های استوار در اختیار کارکنان قرار دهد، خود را محق در اخذ غرامت دانست و درخواست محکومیت خوانده را به پرداخت خسارت نمود.

دادگاه استیناف انگلستان مرگب از سه لرد، استیناف دعوی خواهان را مردود اعلام نمود و در رأی صادر شده اشعار داشت که اولاً، از لحاظ «کامن لا» اداره خوانده تصور نمی‌کرده است متوقفاً بدون هیچ نوع وظیفه‌ای وارد اتاق آسانسور شود؛ زیرا متوقفاً قصد داشته است برای هواخوری از طریق ناصحیح به پشت بام برود و به

هشدار صریح خواننده به نفع ورود اشخاص ناوارد به آن محوطه توجه نکرده و خود مرتکب بی احتیاطی شده است. ثانیاً، از لحاظ قانون ۱۹۳۶، متوّفاً برای انجام کار در اتاق آسانسور استخدام نشده بود و در این موقعیت، رهگذر معمولی محسوب می شود. از این رو، هیچ گونه غفلی از طرف خواننده به عمل نیامده است تا مستوجب پرداخت غرامت گردد.

از مجموع عبارات فقها و حقوق دانان وضعی ایران و متون حقوق بین المللی دنیا، به این جمع بندی می رسیم که هرگاه کسی بدون توجه هشدار دیگری، خود را در معرض تلف قرار دهد و از رهگذر این بی توجهی و غفلت خسارتی را متوجه خود و دیگری نماید هشداردهنده با هشدار می دهد که خود را معذور نموده و مسئولیتی متوجه او نیست و بر عکس، مصدوم و خسارت دیده باید خسارات احتمالی به دیگران را نیز جبران نماید.

### مبانی ادله قاعده تحذیر:

در خصوص مبنا و دلیل قاعده «تحذیر» که از مهم ترین مباحث مربوط به این قاعده است، ادله فراوانی را می توان بیان کرد. هر کدام از این ادله می تواند دلیلی بر ارزش و حجّیت مفاد این قاعده باشد. اهمّ دلایل قاعده مذکور را می توان به شرح ذیل مورد بررسی و تحقیق قرار داد:

### الف. قرآن کریم

آیه ۱۹۵ سوره مبارکه «بقره» می فرماید: :

(وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ)؛ با دست های خویش، خود را به هلاکت نیندازید

شیخ طوسی می نویسد:

و قوله تعالى (لَا تَلْقُوا...) بمعناه لا تطرحوا انفسكم بان تفعلوا ما يؤدى اليه

یعنی سخن حق تعالی که فرمود: «نیندازید...» به معنای این است که خودتان را در هلاکت نیندازید به اینکه کاری انجام دهید که منجر به هلاکت شود .

عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي در ذیل آیه مذکور می نویسد: آیه اطلاق دارد و شامل هرگونه تباهی و هلاکت می شود، خواه از نظر افراط در مال باشد و خواه از نظر تفریط در مال، بلکه شامل غیر انفاق هم می گردد. در تفسیر نمونه هم آمده است: جمله (لَا تُلْفُوا...) هرچند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده است، ولی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که موارد زیاد دیگری را شامل می شود؛ از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده های خطرناک (چه از نظر ناامنی و چه عوامل جوّی یا غیر آن) بدون پیش بینی لازم بگذرد، یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند، و یا حتی در میدان جهاد، بدون نقشه و برنامه ریزی وارد عمل شود. در تمامی این موارد، انسان بی جهت جان خود را به خطر انداخته است و مسئول است. از مجموع مطالب مفسّران در ذیل آیه مذکور، می توان استفاده کرد که آیه کریمه یاد شده اعتبار و ارزش قاعده «تحدیر» را مورد تأکید قرار داده و آن را معتبر شمرده است. بر این اساس، هیچ کس حق ندارد جان خود را به خطر اندازد، بخصوص اگر فردی به دیگری هشدار دهد و هشدارشونده به اخطار او بی توجهی کند و تمامی شرایط نگه داری نفس از به هلاکت افتادن، در او باشد و با وجود این، خود را به مهلکه اندازد. وی مسلماً از مصادیق آیه مذکور بوده و خود مسئول هلاکت خویش است و از این ناحیه، ضمان و مسئولیتی متوجه هشداردهنده نیست و در واقع، کار وی مصداقی از «خودکشی» بوده و جزو گناهان کبیره نیز شمرده می شود و لاجرم در پیشگاه الهی مؤاخذه می گردد.

#### ب. روایت امام صادق (علیه السلام)

در کلام منسوب به امام صادق (علیه السلام) و نقل ماجرای قضاوت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مطلبی آمد که به صراحت، حاکی از روش و اعتبار این قاعده بود. مضمون سخن یاد شده این بود که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: در زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) کودکانی با سنگ قلاب هایشان بازی شرط بندی می کردند. یکی از آنان آنچه را با آن شرط بندی کرده بود، انداخت و به دندان یکی از افرادی که داخل بازی شده بود، اصابت کرد و شکست. شخص مصدوم شکایت کرد و دعوا را نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) بردند. ضارب اقامه بیّنه کرد، مبنی بر اینکه قبلاً

هشدار داده بود. حضرت فرمود: قصاص ندارد و سپس افزود: هر کس (موقع انجام کاری) هشدار دهد، معذور است.

از اطلاق روایت مذکور، استفاده می شود: هشداردهنده به طور مطلق، معذور است و مسئولیتی، چه به لحاظ کیفری و چه از نظر مدنی، متوجهش نیست. حضرت علی (علیه السلام) به صراحت، در ذیل این حدیث فرمودند: «قد اعذر من حذر»؛ کسی هشدار داده معذور است؛ یعنی مسئول نیست.

با عنایت به اینکه مشایخ ثلاثه (شیخ صدوق، شیخ طوسی و مرحوم کلینی) در من لا یحضره الفقیه، الاستبصار و الکافی، حدیث یاد شده را نقل کرده اند و کتب یاد شده از منابع مهم شیعی و جزو کتب معروف اربعه است، هم سند حدیث معتبر است و هم دلالتش آشکار. به همین دلیل، این می تواند دلیل محکمی برای پشتوانه قاعده «تذذیر» قلمداد شود.

### ج. ادله قاعده «تسبیب»

در ادله تسبیب، اصل اولیه آن است که در مرحله نخست مباشر مسئول و ضامن است. اما در برخی موارد، سبب اقوا از مباشر است. از این رو، گفته شده است: سبب مسئول خسارت وارد شده است و او باید پاسخگو باشد و مورد خطاب مصدوم قرار گیرد. در متون فقهی، در عبارات فقهای بزرگ، این مطلب مورد اتفاق بوده و تمامی فقها به نحوی مطلب مذکور را مورد تصریح قرار داده اند. فقط برای نمونه، به دو مورد از عبارات فقها بسنده می شود: مرحوم علامه حلی می فرماید: اذا اجتمع المباشر و السبب قدم المباشر فی الضمان، و لا یجب علی السبب الا مع ضعف المباشر.

در سخن امام خمینی (قدس سره) نیز این مطلب آمده است:

مشهور فقها «تسبیب» را به معنای اقوی بودن سبب از مباشر دانسته اند. به گونه ای که تحقق فعل به سبب نسبت داده می شود، نه به مباشر؛ مانند اینکه فردی بالغ و عاقل و مختار به کودک یا دیوانه سنگی بدهد و بگوید - مثلاً - آن را به شیشه بزن و او هم بزند و شیشه را بشکند. در این صورت، از باب تسبیب، فرد بالغ ضامن خسارت است.

در اتلاف بالمباشره، مرتکب، در هر صورت مسئول است، اگر چه تقصیر نداشته باشد؛ مثلاً با رعایت احتیاطات لازم برف را از پشت بام ریخته، با این حال، به انسانی یا حیوانی آسیب برساند. ولی اگر با رعایت احتیاطات لازم سبب ورود خسارت شود مسئول نخواهد بود؛ مثلاً چاه بکند و علایم راهنمایی قرار دهد، انسانی یا حیوانی بر خلاف معمول عبور کند مسئول نیست.

در اتلاف بالتسبیب عنصر «تقصیر» را دخالت می دهند و از شرایط تسبیب، تقصیر را ذکر می کنند؛ به این معنا که مصدوم احتیاطات لازم را در حدود متعارف رعایت نمی کند و بی توجهی به عواقب کار نوعی تقصیر و کوتاهی است.

به قول برخی از حقوق دانان، علمای حقوق در ما نحن فیه، مسئله یاد شده را از باب «تقصیر» حل می کنند. از این رو، طبق تحلیل این عده از دانشمندان حقوق، خسارت زننده با هشدار قبلی جانب احتیاط را مراعات کرده است و بدینوسیله، هرگونه کوتاهی و سهل انگاری و تقصیر را از ساحت خود دور می نماید. از این رو، می توان گفت: انتساب هرگونه تقصیر به وی وجهی ندارد و بر عکس، طرف مقابل در این قضیه مقصّر شناخته می شود و در واقع، هشداردهنده هر چند به صورت مباشر موجب ضرر و زیان گردیده، اما مصدوم سببی است که اقوای از اوست .

یادآوری این مهم لازم است که در متون فقهی، چه در بحث «اتلاف» و چه در بحث «تسبیب»، بر عنصر «تقصیر» تأکید شده است، هم در اتلاف، علت ضامن بودن متخلف تقصیر اوست، و هم در تسبیب، مسبب به خاطر تقصیر و اهمال کاری اش مستوجب تدارک خسارت است .

اما به نظر می رسد در قانون مدنی، نقصی که وجود دارد این است که تنها در تسبیب، عنصر «تقصیر» را دخالت می دهند، ولی در بحث «اتلاف» معتقدند: تقصیر» مطرح نیست. متلف در هر صورت، مسئول و ضامن است.

از این رو، تأکید می شود در فقه اسلامی، چنین تفاوتی وجود ندارد. از نظر فقهای بزرگوار، رکن اصلی مسئولیت استناد، ارتباط اقواست. چنانچه رابطه میان ورود خسارت با یک فعل چنان قوی باشد که خسارت به آن عامل مستند گردد مسئولیت متوجه او خواهد بود، و در مواردی که خسارت به مباشرت صورت گیرد و



عامل دیگری در میان نباشد، فقط مباشر<sup>۱</sup> مسئول است؛ زیرا استناد خسارت به مباشر، به طور مطلق محرز است، خواه مقصر باشد یا غیر مقصر. چنانچه خسارت ناشی از عامل واسطه باشد استناد خسارت به این عامل، هنگامی صحیح است که عنصر «تقصیر» محقق باشد. در غیر این صورت، انتساب و استناد خسارت به او محرز نخواهد بود. در مورد اجتماع مباشر و سبب، اقوا بودن هر یک موجب انتساب مسئولیت به او خواهد بود. حال در بحث موردنظر، خسارت دیده علی رغم شنیدن هشدار و امکان فرار، که از شروط اصلی رفع مسئولیت است، اقدام به ورود به محل خطر نموده و از این رو، مقصر است و انتساب خسارت به او اقواست. از این رو، ما نحن فیه از مواردی است که در آن، سبب اقوا از مباشر است.

#### د. شهرت عملی

شهرت عملی را به عنوان یکی از ادله و مبانی قاعده «تحدیر» آورده اند؛ به این معنا که هرچند در میان فقها، ادعای اجماع در خصوص عمل به مفاد قاعده تحدیر نشده، اما همان گونه که مرحوم صاحب جواهر فرمود، با عنایت به اینکه نظریه مخالفی هم در این خصوص وارد نشده است و فقها در عمل به مفاد این قاعده فتوا می دهند و چنانچه - به فرض - در ادله نقلی مانند حدیث مذکور در بند «ب» اشکال سندی هم وجود داشته باشد، با عمل اصحاب به مفاد حدیث، ضعف احتمالی در سند حدیث جبران می گردد. به نظر می رسد، فی الواقع، شهرت می تواند در کنار روایت مذکور، دلیلی مستقل برای قاعده تحدیر به شمار آید.

#### هـ. بنای عقلا

با مطالعه اجمالی در روش زندگی خردمندان عالم، به این نتیجه می رسیم که عقلای عالم هشداردهنده ای را که با رعایت جانب احتیاط، به طرف مقابلش، که در معرض آسیب از جانب اوست، هشدار می دهد و مصدوم را، که در معرض آسیب از جانب اوست و بدون رعایت قوانین هشداردهنده، خود را در معرض هلاکت قرار می دهد ضامن نمی شناسند. این معنا در تمامی عالم در بین خردمندان هر قوم و ملتی مورد تسالم و قبول همگان است و شارع مقدس هم، که خود رئیس عقلاست، نه تنها مخالفتی با این پذیرش

عمومی نکرده، بلکه ادله مذکور نیز حاکی از آن است که از ناحیه شارع مقدس مورد تأیید نیز قرار گرفته است.

در عبارات بعضی از حقوق دانان و فقها، آمده است: روایت مذکور در این خصوص نیز ارشاد به عقل دارد و به تعبیر دیگر، هر آنچه عقل عملی حکم می کند شارع مقدس نیز بدان حکم می نماید و قاعده «ملازمه» در اینجا جاری می شود. در همین رابطه، محقق داماد می نویسد: در عرف عقلا، سنت متداول این است که هرگاه می خواهند عملی انجام دهند که در مظان ایجاد خسارت احتمالی و ایراد ضرر و زیان بر دیگران است، قبل از انجام دادن کار، با کلماتی نظیر خبردار، بپرهیز، بپا، و در عربی، حذار، احذر، بالک و اجتنب، هشدار می دهند و چنانچه پس از آن خسارتی از ناحیه عمل آنان ایجاد شود، خود را مسئول ورود خسارت نمی دانند.

وی در ادامه، تصریح می نماید که این سنت عقلایی در عرف متشرع و متدین به روشنی محسوس است و نه فقط از ناحیه شارع ردع و منعی درباره اصل آن وارد نشده، بلکه به صراحت، مورد تأیید هم قرار گرفته است. گزیده سخن اینکه با بنای عقلا و خردمندان، می توان اعتبار و حجیت قاعده تحذیر را اثبات نمود و به نظر می رسد محکم ترین دلیل در میان ادله احصا شده در این باره، همین بنای عقلاست و شارع به عنوان رئیس عقلا، این گرایش خردمندان را مورد تأیید و تنفیذ قرار داده است.

## و. قاعده اقدام

معنای قاعده «اقدام» - همان گونه که از نامش پیداست - این است که اگر کسی با علم و قصد و رضایت، ضرر یا ضمانی را بپذیرد، هیچ کس ضامن او نخواهد بود. برای مثال، اگر کسی مالی را با علم و اطلاع از قیمت آن، به چند برابر بخرد یا مالش را به دیگری بدهد تا به دریا بریزد هیچ کس ضامن این اتلاف مال نیست و از کیسه او رفته است. محکم ترین دلیل قاعده «اقدام» ادله عقلی است، وگرنه در قرآن و روایات بر اساس تعبیر مرحوم شیخ انصاری دلیلی در این باره یافت نمی شود.

آقای بجنوردی قاعده مذکور را از جمله مسقطات ضمان می داند، و می نویسد:

از جمله مسقطات ضمان، «اقدام به مجانیت» است. «اقدام» آن است که مالک احترام مال خودش را از حیث ارزش اسقاط کند و بنا را بر عدم عوضیت و مجانیت بگذارد که در نتیجه، ضمان ساقط می گردد. بعضی از صاحب نظران در عرصه فقه و حقوق می نویسند: اگر کسی با رعایت احتیاط لازم، سبب ورود زیانی به غیر شود مسئول نخواهد بود؛ مثل اینکه شخصی چاهی بکند و علایم خاص راهنمایی را بر آن نصب کند، آنگاه انسانی و یا حیوانی برخلاف معمول، از آنجا عبور کند و در آن بیفتد. پس صاحب چاه مسئول نخواهد بود.

در این قسمت از بحث به نقد و بررسی رأی صادره از شعبه ۲۶ دیوانعالی کشور که به استناد قاعده مورد بحث صادر گردیده می پردازیم.

در پرونده موضوع دادنامه شماره ۱۱۷۰-۴/۱۱/۶۶ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور پاسدار رسمی آقای ع. ص به اتهام ایراد جرح به پای آقای خ... تحت تعقیب دادسرای نظامی فارس قرارگرفته بدین توضیح که در ساعت ۱۲ شب مورخ ۶۴/۶/۲۸ شکات درحالیکه سوار بر موتور بوده اند با تیم گشتی و بازرسی گروه مقاومت ابوذر در چهارراه امام خمینی فسا برخورد می کنند ولی در بین راه موتور سواران تصمیم بر فرار گرفته و گروه مقاومت ایست داده توجهی نمی کنند سپس چند تیر هوایی شلیک می کنند و آنها به فرار ادامه می دهند.

مسئول تیم به متهم می گوید لاستیک را بزن و او میزند که به پای آنها اصابت می کند دادسرای نظامی پس از تحقیقات از طرفین و اعلام نظر، پرونده را به دادگاه نظامی فارس ارسال که دادگاه نظامی در تاریخ ۶۶/۴/۱۶ تشکیل جلسه و پس از بررسی اوراق پرونده به ضمان متهم به دیه نظر داده و پرونده را جهت امعان نظر و تنفیذ رأی به دیوانعالی کشور ارسال که شعبه ۲۶ دیوان طی دادنامه شماره ۱۱۷۰-۴/۱۱/۶۶ نظر دادگاه نظامی را نپذیرفته و مورد را از مصادیق قاعده «قد اعذر من حذر» تشخیص با این توضیح که بر فرض خطا در تطبیق هم بیت المال را ضامن دانسته است. پرونده به دادگاه صادر کننده رأی ارسال و دادگاه نظریه شعبه ۲۶ دیوان را نپذیرفته و پرونده به شعبه نظامی دیگر ارجاع شده و شعبه اخیر نیز نظر دادگاه اول را تأیید و پرونده را مجدداً به شعبه ۲۶ دیوان ارسال داشته اند شعبه ۲۶ تشکیل جلسه و پس از

مشاوره طی دادنامه شماره ۱۹۶۷-۶۷/۴/۱۲ نظر دادگاه را ناقص دانسته و پرونده را جهت رفع نقص به دادگاه اخیر ارسال نموده است.

دادگاه مجدداً به استناد مسئله ۸ جلد ۴۲ ص ۶۸ جواهر الکلام که می فرماید : مصدوم باید بشنود و تمکن از عدول داشته باشد و با ذکر دلائلی در رد مستند قانونی و شرعی رأی شعبه دیوان و با توجیه نظر سابق الصدور خود رأی شعبه ۲۶ دیوانعالی کشور را نپذیرفته است . بالاخره چون دو دادگاه نظامی فارس نظریه شعبه ۲۶ دیوان را نپذیرفته اند پرونده در اجرای مفاد ماده ۲۸۸ قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری جهت طرح در هیأت عمومی اصراری به نظر ریاست دیوانعالی کشور رسیده و در تاریخ ۶۸/۱۰/۱۹ جلسه هیأت عمومی دیوانعالی کشور به ریاست رئیس دیوانعالی کشور و با حضور نماینده دادستان کل کشور و رؤسا و مستشاران و اعضاء معاون شعب کیفری دیوانعالی کشور تشکیل و پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده نماینده دادستان کل کشور مبنی بر : با عنایت به اینکه وظیفه آمر و مأمور استعلام و مشخص نشده و معلوم نیست تیراندازی از وظائف آنها بوده یا خیر ؟ علیهذا حکم به پرداخت دیه از جانب مأمور صحیح نیست . مشاوره نموده و اکثریت به شرح ذیل رأی داده اند.

(۱) نظر استنباطی دادگاههای کیفری یک نظامی فارس در مورد ع-ص .

به اتهام ایراد جرح به پای خ ... بی اشکال است زیرا دادگاه های کیفری نظامی استان فارس با رسیدگی های لازم مسئولیت متهم را به پرداخت دیه شرعی احراز نموده اند لذا با تنفیذ نظر دادگاه پرونده برای انشاء حکم به شعبه اول دادگاه کیفری یک نظامی فارس ارسال شود.

نقد و بررسی:

همانطور که در گزارش پرونده به شرح فوق آمده است مفاد رأی شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور مشتمل بر دو بخش است:

اول آنکه مورد از مصادیق قاعده « قد اعذر من حذر » می گردد که در این صورت هیچ گونه دیه ای مطرح نخواهد شد نه برعامل زیان ونه بر بیت المال.

دوم آنکه بر فرض عدم انطباق قاعده بر مورد با توجه به اینکه عامل از مأمورین دولت بوده و برابر مقررات و اجرای دستور اقدام به تیراندازی نموده است و متأسفانه تیرش به خطا رفته لذا دیه به عهده بیت المال است . در صورتی که انطباق موضوع با قاعده مارالذکر چندان موجه و مستند به نظر نمی رسد . زیرا همانطور که در مبحث مربوطه اشاره کردیم مجرای قاعده در جایی است که عامل زیان که اراده ارتکاب عمل محتمل الضرر را داشته به زیان دیده یا زیان دیدگان قبلاً اعلام باشد و زیان دیده علی‌رغم هشدار عامل زیان وامکان دوری جستن از خطر به منطقه خطر وارد شده و نتیجتاً زیان دیده باشد و تنها در صورت و فرض فوق است که عامل مسئولیتی نخواهد داشت . یا در فرض مورد بحث عامل صرفاً زیان دیده را ایست داده و چون به ایست وی توجهی نکرده او را مورد هدف و اصابت گلوله قرار داده است . و این مورد همانطور که گفتیم منطبق با قاعده مورد بحث نمی باشد.

البته ممکن است قضات محترم شعبه ۲۶ دیوانعالی کشور اینطور استدلال کنند که در فرض مورد بحث عامل زیان به زیان دیده اعلام کرده است که بایستند وگرنه لاستیک وسیله نقلیه را مورد هدف قرار خواهد داد با این احتمال که چون وسیله در حال حرکت است ممکن است به شخص وی نیز گلوله اصابت کند و چون زیان دیده علی‌رغم هشدار و اعلام نظر به حرکت خود ادامه داده است بنابراین مسئولیتی به عهده عامل نخواهد بود. به عقیده نگارنده این استدلال نیز چندان مقبول نمی باشد.

### نتیجه گیری :

با توجه به قوانین موضوعی و مجموعه نظرات فقها فهمیده می شود که : هر گاه که شخصی موقع انجام کاری با رعایت شرایطی هشدار دهد ، این اعلام خطر و هشدار باعث می شود که در صورت بروز حادثه ای برای مصدوم، مسئول خسارتی نباشد. در میان ادله ی قاعده «تحدیر» از آیات قرآن کریم می توان به آیه ی (ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه) (بقره آیه ی ۱۹۵) اشاره کرده و از روایات ، به حدیث منسوب به امام جعفر صادق (ع) که داستان قضاوت امیر المومنین (ع) در خصوص بازی شرط بندی جوانان را ذکر می کند. حضرت پس از اینکه هشدار دهنده را طی حکمی تبرئه نمود ، فرمود : «قد اعذر من حدّر» کسی که هشدار داده معذور است. و از مفاد قوانین موضوعه می توان به تبصره ماده ی ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی اشاره

نمود که در آن آمده است: هر گاه شخصی با علم به خطر یا از روی تقصیر، وارد منطقه ممنوعه نظامی و یا هر مکان دیگری که ورود به آن ممنوع است و مطابق مقرارت هدف قرار گیرد، زمان ثابت نیست و در صورتی که از ممنوعه بودن مکان مزبور آگاهی نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخته می شود.

## منابع:

- ۱-قرآن کریم:
- ۲-باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۳
- ۳-بجنودی، سید محمد، قواعد فقهیه، جلد یک
- ۴-صادقی، محمد، جزوه ی درسی مسئولیت مدنی، کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی، دانشگاه قم، ۱۳۹۵
- ۵-فرهنگ فارسی معین، یک جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات معین، ۱۳۸۷
- ۶-کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج قرارداد، جلد اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- ۷-محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، جلد ۲، تهران